



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۱۰ / ۲۳

یونس نگا

تاجیک و ایماق

اجازه دهید من هم برداشتم را از تاجیک بگویم. دو گونه تاجیک داریم. اول، تاجیک تاریخی که معادل فارسی‌وان غیرترک است. از آنجایی که تعداد قابل توجه ترک‌ها طی نزدیک به هزار سال فارسی‌زبان می‌شده‌اند، برای تفکیک فارسی‌زبانان قدیم و فارسی‌زبانان جدید، قدیمی‌ها را تاجیک می‌گفته‌اند. احتمالاً یک‌جانشینی و عدم رواج کوچی‌گری نیز تاجیکان را از دیگران تفکیک می‌کرده است. لزوماً این معنی و نقش یگانه عنوان تاجیک نبوده است، ولی در یک دوره طولانی از حاکمیت ترک‌ها و مغل‌ها و پشتون‌ها در منطقه ما تا اوایل جهاد، این کاربرد را داشته است.

این‌گونه تاجیک بیش از آن‌که نام اتحادیه قبایل باشد، به گروهی از انسان‌های فارسی‌زبان و یک‌جانشینی که ترک‌های فارسی‌گوی نبوده‌اند، اطلاق می‌شده است.

اما خیلی از ترک‌های فارسی‌گوی به تدریج در فرهنگ حاکم فارسی‌وان هضم گردیده و تاجیک می‌شده‌اند. مرز تفکیک تاجیک و ترکان فارسی‌گوی سیال بوده است. قبایل بومی که فارسی‌وان می‌شده‌اند و ترک‌های حاکمی که فارسی می‌آموخته‌اند و پشتون‌هایی که فارسی‌زبان می‌شده‌اند کم‌وبیش و به تدریج در بدنه تاجیک جذب می‌گردیده‌اند. این گونه تاجیک شباهت به ستون فرهنگی و سیاسی این جغرافیا را داشته است. تاجیکان در اداره و فرهنگ و ارتباطات مثل هسته در جغرافیای کنونی افغانستان و در مواردی فراتر از آن نقش ادا می‌کرده‌اند.

با این تعریف پشتون‌های فارسی‌وان بریده از روابط قبیله‌ای، هزاره‌های سنی که چندین قرن با سایر تاجیکان زندگی کرده‌اند، از بیک‌های فارسی‌وان شده و آنانی که در دوران نادر افشار و احمدشاه ابدالی به شهرهای افغانستان برای امور اداری و نظامی از ایران آورده شده بودند (قزلباشان، کردها و بیات‌ها) تاجیک‌اند یا حداقل بر اساس سنت قدیم تاجیک‌شدن، دور هسته فرهنگی تاجیک قرار می‌گرفته و به‌طور بالقوه به جهت تاجیک‌شدن «میلان» داشته‌اند.

دوم، تاجیک با تعریف جهادی قبیله‌ای. در دوران جهاد و پس از آن تعریف تازه‌ای از تاجیک به میان آمده است که برای آن ریشه‌های قبیله‌ای و خونی جستجو می‌شود. این گونه تاجیک خود را در آیین ساختار قومی پشتون و هزاره و ازبیک می‌بیند. درحالی که آن سه قوم بیشتر اتحاد قبایل بوده‌اند و صرفاً با زبان و شیوه زیست معرفی نمی‌شده‌اند.

نگاه جهادی و قبیله‌ای به تاجیک منجر به بحران هویت شده است. تاجیکان وقتی با مفهوم خونی و قبیله‌ای در خود نگاه می‌کنند، چنان متنوع و پراکنده به‌نظر می‌رسند که در تعریف هویت «قومی» خود در می‌مانند. نمی‌دانند مرز تاجیک کجاست. پنجشیری و هراتی، راغی و ایماق، دروازی و پروانی نمی‌توانند مثل دی‌های هزاره و زی‌های پشتون قصه مشترک قبیله‌ای برای خود بسازند.

جهادگرایی و توسل «مدرن» به سنت‌های قبیله‌ای کل افغانستان را دچار دردسر کرده است، ولی دردسر قوم‌گرایان تاجیک بیشتر است. ساختن شجره قومی برای تاجیکان و جداکردن آن از سایر

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولی

فارسی‌زبانان مثل به‌مشت گرفتن هوا سخت است، و تلاش در این مسیر تاجیک را متفرق و کوچک‌تر می‌کند.

اگر نخبه‌گان تاجیک عینک جهادی و قبیله‌ای را کنار بگذارند و هویت خود را با شناسه‌های فرهنگی تعریف کنند، کارشان بسیار آسان خواهد شد. در آن تعریف تاجیک‌های افغانستان در قدم اول می‌گویند پشت‌وزبان نیستیم فارسی‌زبانیم، در قدم دوم می‌گویند فارسی‌زبان ترک و مغل (از جمله هزاره) نیستیم. در آن صورت همه فارسی‌زبانان، به‌شمول هزاره‌های سنی که با دیگر فارسی‌وان‌های غیر هزاره آمیختگی فرهنگی و جغرافیایی و خونی قابل توجه یافته‌اند، به تدریج نخست متحدان فرهنگی تاجیک و بعد در چتر کلان‌تر فارسی‌وان همتایان فرهنگی تاجیک می‌شوند. در این رویکرد تاجیک به‌جای خزیدن به درون خود و پالیدن ریشه‌های خونی و جمشیدی، به واقعیت‌های پیش رو تن داده، منعطف‌تر می‌شود و در حوض کلانتر «فارسی‌وان» با همه فارسی‌زبانان افغانستان از جمله هزاره‌ها ادغام می‌گردد.

تشکیل شورای ایماق برای ذهنیت جهادی‌زده و قبیله‌ای قوم‌گرایان تاجیک خطر است، ولی برای تاجیکانی که خود را با هویت فرهنگی و زبانی تعریف می‌کنند، شورای ایماق و هزاره‌سنی و اتحادیه پنجشیریان و جمشیدیان و دروازی‌ها و شغنایی‌ها و بیات‌ها و قزلباشان تهدید شمرده نمی‌شود. چون آنان می‌دانند ایماق وقتی هویت محلی خود را برسازد از هویت کلان فرهنگی فارسی‌وان نمی‌کودد و وقتی فارسی‌وان باشد تاجیک یا همتای زبانی و فرهنگی تاجیک است. در تعریف فرهنگی و غیرقبیله‌ای من مثلاً خود را تاجیک یا همتای فرهنگی تاجیک می‌دانم، اگرچه از نظر قومی هزاره‌ام. در تعریف جهادی و قبیله‌ای اما نه خودم را تاجیک حس می‌توانم و نه اجازه خواهم داشت چنان قرابتی را با تاجیکان ادعا کنم.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین